

ساختار سازمانی پیمان سنتو

۲۶ مرداد ۱۳۹۵ ساعت ۹:۰۳

ناکامی پیمان در جلب عضویت دولتهای عرب و تغییر کارکرد اصلی پیمان که جلب حمایت‌های نظامی و مالی غرب (بویژه ایالات متحده) بود، نگرانیهای امنیتی کشورهای عضو را شدت بخشید و این کشورها را بر آن داشت تا پیمانی منطقه‌ای و بدون حضور قدرتهای خارجی منعقد سازند.

سنتو به پیمان همکاری امنیتی، دفاعی و اقتصادی چند جانبه با عضویت کشورهای ایران، ترکیه، پاکستان، انگلستان و مشارکت امریکا به عنوان عضو ناظر اطلاق می‌شود که در ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۷ ش دایر بود. این پیمان ابتدا به پیمان بغداد معروف بود اما در پی کناره‌گیری عراق، در مرداد ۱۳۳۸، به سازمان پیمان مرکزی (سنتو) موسوم شد و مرکز آن به آنکارا انتقال یافت. بحرانهای سیاسی دهه ۱۳۳۰ ش زمینه ساز انعقاد پیمان سنتو بود. در بهمن ۱۳۳۱ رئیس جمهور امریکا، آیزنهاور، برای جاد سامانه اتحاد در منطقه خاورمیانه برای مقابله با تهدید کمونیسم شوروی سابق تأکید کرد. وزیر امور خارجه امریکا، جان فوستر دالس، نیز ضمن طرح راهبرد نظامی انتقام گسترده، اتحاد کمربند شمالی، شامل ترکیه و ایران و پاکستان را برای مقابله با تهدید شوروی مطرح ساخت. با آنکه امریکا طراح اصلی این پیمان بود، هیچگاه عضویت رسمی پیمان را نپذیرفت اما به عنوان عضو ناظر با شرکت در کمیته‌های مختلف سازمان و انعقاد موافقتنامه‌های دو جانبه نظامی با اعضا، نقش اساسی و تعیین کننده‌ای در پیمان داشت.

ساختار سازمانی سنتو عبارت بود از یک شورا و دبیرخانه؛ شورا دارای کمیته نظامی، کمیته ضد براندازی، کمیته ارتباطی و کمیته اقتصادی بود و به عنوان رکن عالی سازمان، در سطح نخست وزیران یا وزیران امور خارجه به طور معمول اجلاس سالانه داشت. بعلاوه، شورای نمایندگان، در سطح سفرای کشورهای عضو و به ریاست دبیرکل سازمان، به طور مداوم نشستهایی در آنکارا برگزار می‌کرد. دبیرخانه دارای چهار بخش سیاسی و اداری، اقتصادی، روابط عمومی و امنیت بود. گروه دایمی نمایندگان نظامی از پنج افسر ارشد، به نمایندگی از کمیته نظامی تشکیل می‌شد و در مسائل نظامی خلیج فارس و کشورهای عضو منطقه (کمربند شمالی)، طرف مشورت این کمیته قرار می‌گرفت. این گروه، وظیفه هدایت ستاد مشترک برنامه ریزی نظامی را نیز به عهده داشت. دبیرخانه علمی نیز برای پژوهش درباره کشاورزی و سرمایه گذاری فنی در تهران مستقر بود.

وظیفه کمیته نظامی سنتو، که از نمایندگان پنج کشور عضو تشکیل می‌شد، تأمین و تحکیم امنیت نظامی کشورهای منطقه و همکاری در مسائل دفاعی بود. این کمیته، هماهنگی طرحهای نظامی و تمهید برنامه‌های آموزش نظامی و مانورهای مشترک را به عهده داشت و فاقد هر گونه ساختار فرماندهی نظامی یا لشکرهای جنگی تحت امر سازمان بود. اغلب تمرینهای نظامی، با مشارکت نیروهای ایران و ترکیه در دریای عمان و خلیج فارس انجام می‌گرفت. کمیته نظامی از ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۶ ش چهار مانور

مشترک نظامی برگزار کرد .

کمیته اقتصادی سنتو که از کمیته های فرعی ارتباطات ، بهداشت ، کشاورزی ، تحقیقات و آموزش علمی و گروه مشاوران توسعه مواد معدنی تشکیل شده بود، وظیفه هماهنگی همکاریهای اقتصادی بین کشورهای عضو و توسعه و تقویت منابع مشترک مالی و اقتصادی را بر عهده داشت . کارکردهای اصلی کمیته ضد براندازی سنتو ایجاد هماهنگی ، پخش اطلاعات و برنامه ریزی برای جنگ چریکی در برابر حمله احتمالی شوروی در منطقه بود .

پس از تأسیس سنتو، امریکا برای حمایت از این پیمان ، قراردادهای دو جانبه نظامی با کشورهای عضو منعقد کرد. این قراردادها در شش ماده با متن و محتوای یکسان تنظیم شده بود که بر طبق ماده یک آن واشنگتن متعهد می شد به هنگام تجاوز به هر یک از کشورهای عضو و بنا به درخواست آن کشور اقدامات مقتضی ، از جمله استفاده از نیروی مسلح ، به عمل آورد. این معاهده تمایل امریکا به دخالت نظامی در دفاع از این کشورها را تأیید می کرد، اما حمایت امریکا را به طور رسمی تضمین نمی کرد. همچنین ، سیاستگذاران امریکا مخفیانه به آماده سازی طرحهای اضطراری در منطقه پرداختند تا در صورت بروز جنگ فراگیر، سلاحهای هسته ای - تاکتیکی را به کار گیرند. شوروی اقدام امریکا را در انعقاد قراردادهای نظامی به شدت محکوم کرد. نیکیتا خروشچف ، دبیرکل حزب کمونیست و نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی انعقاد قرارداد نظامی ایران - امریکا را اقدامی برای تبدیل ایران به پایگاه نظامی امریکا ارزیابی کرد که واشنگتن را قادر می ساخت در مرزهای مشترک ایران و شوروی پایگاه موشکی مستقر سازد.

انگلستان سنتو را برای امنیت خود حیاتی می دانست و آن را پیروزی بزرگی قلمداد می کرد که مکمل کامیابی آنان در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود. به گمان آنها، کارآیی و پایداری سامانه امنیتی خاورمیانه ، بویژه پیمان سنتو، با مشارکت دول عربی خاصه مصر، تضمین می شد .

هر یک از کشورهای عضو، به دنبال اهداف خاصی عضویت در این پیمان را پذیرفته بودند. حکومت محمدرضا پهلوی که در پی اتحاد منحصر به فرد با غرب و رابطه حامی - وابسته با امریکا بود، به عضویت پیمان سنتو درآمد. شاه انتظار داشت که در مقابل اتخاذ این سیاست ، امریکا و غرب اسباب تحکیم سلطنت وی را فراهم آورند. تحولات انقلابی خاورمیانه به رهبری جمال عبدالناصر، وقوع کودتا و واژگونی سلطنت در عراق و قطع رابطه مصر با ایران ، منجر به بیم و انزوای حکومت ایران در منطقه شد. این اوضاع شاه را ناگزیر از برقراری مناسبات نزدیکتر با امریکا و امضای موافقتنامه دفاعی دو جانبه با امریکا کرد. اما این موافقتنامه ، کمک نظامی امریکا را در صورت تجاوز کمونیسم بین المللی پیش بینی می کرد، در حالی که شاه بیشتر نگران ملی گرایی عربی بویژه در خلیج فارس بود. شاه از عدم عضویت کامل امریکا در سازمان پیمان مرکزی نیز ناخرسند بود و بیم آن داشت که پیمان بدون حضور رسمی امریکا کارآیی لازم را نداشته باشد و کمکهای نظامی و مالی امریکا به ایران ، محدود شود .

از دیدگاه دولت پاکستان ، پیوستن به بلوک غرب در قالب سیتو و پس از آن سنتو، مؤثرترین روش برای مقابله با نگرانیهای امنیتی در برابر هند و مسئله پشتونستان و بحران جامو و کشمیر بود.

منافع ترکیه در پیمان سنتو نیز، چون ایران ، روشن بود. ترکیه که عضو ناتو (پیمان آتلانتیک شمالی) هم بود، از هنگام پایان گرفتن جنگ جهانی دوم به یکی از مهمترین پایگاههای مقابله با شوروی در منطقه تبدیل گردید و در دهه های سی و چهل شمسی از کمکهای مالی و نظامی امریکا برخوردار شد در مقایسه با اتحادهای ضدشوروی در اروپای غربی و آسیای جنوب شرقی ، سنتو گسترش محدودی داشت . اعضای سنتو درباره مسائل بنیادی از قبیل فرماندهی مشترک نظامی و طرحهای اضطراری برای

جنگ محدود توافق نداشتند. اگرچه در پیمان سنتو برنامه ریزی و تمرینهای نظامی مشترک انجام می شد، کمک این اتحادیه به توان نظامی کشورهای عضو، «حاشیه ای» بود و بیشتر همکاریهای نظامی و اطلاعاتی بین کشورهای عضو به صورت دو جانبه و خارج از محدوده این سازمان انجام می گرفت. از دهه ۱۳۴۰ش به این سو، تخفیف جنگ سرد و تنش زدایی در روابط امریکا و شوروی و پیشرفت فن آوری موشکی امریکا، ماهیت منافع امریکا را در برابر سنتو دگرگون کرد و رویکرد امریکا به این سازمان، از بُعد راهبردی - نظامی به بُعد اقتصادی تغییر یافت. بدین سان، مشخصه های امنیتی - دفاعی سنتو در برابر فعالیتهای اقتصادی این سازمان اهمیت خود را از دست داد. تأمین اعتبارهای کلان از سوی صندوق قرضه توسعه امریکا و وامهای بلاعوض بریتانیا، نشانه برتری همکاریهای اقتصادی بود. طرحهای عمرانی مانند تکمیل خط آهن ایران - ترکیه، ایجاد شبکه مستقیم مایکروویو آنکارا - تهران - کراچی و طرحهای برقراری خطوط ارتباطی رادیویی و هوایی بین کشورهای عضو که در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ش به اجرا در آمد، از جمله همکاریهای اقتصادی کشورهای عضو پیمان بود.

ناکامی پیمان در جلب عضویت دولتهای عرب و تغییر کارکرد اصلی پیمان که جلب حمایتهای نظامی و مالی غرب (بویژه ایالات متحده) بود، نگرانیهای امنیتی کشورهای عضو را شدت بخشید و این کشورها را بر آن داشت تا پیمانی منطقه ای و بدون حضور قدرتهای خارجی منعقد سازند. در پی مذاکرات مقدماتی میان وزرای خارجه و اقتصاد ترکیه و ایران و پاکستان در تیر ۱۳۴۳، سران سه کشور، جمال گورسل، محمدرضا پهلوی و ایوب خان، در ۲۹ و ۳۰ تیر ۱۳۴۳ در اجلاسی در استانبول، با صدور اعلامیه مشترکی علاقه مندی خود را به گسترش همکاریهای بازرگانی و اقتصادی، خارج از حوزه همکاریهای دوجانبه و سنتو، و در چارچوب سازمان جدید «همکاری عمران منطقه ای» (آر. سی. دی.) اعلام کردند. سازمان همکاری عمران منطقه ای طی دهه ۱۳۵۰ش به تدریج جای سنتو را گرفت. تداوم سیاست تنش زدایی، بویژه در اواخر دهه های چهل و پنجاه شمسی، به تعدیل مواضع امریکا در پیمانها و اتحادهای منطقه ای از جمله سنتو انجامید. بدین ترتیب، عملکرد ضعیف امریکا و انگلیس در این پیمان، به زوال آن شتاب بخشید. در جنگ هند و پاکستان در ۱۳۴۴ش / ۱۹۶۵، امریکا با اعلام بیطرفی از کمک نظامی به پاکستان خودداری کرد. همچنین در جنگ هند و پاکستان در ۱۳۵۰ش که به تجزیه پاکستان و اعلام استقلال بنگلادش منجر شد، امریکا، متحد پاکستان در پیمانهای سیتو و سنتو، کمترین حمایتی از پاکستان به عمل نیاورد. این تجارب به ناخشنودی پاکستان و بی اعتمادی محمدرضا پهلوی انجامید. پس از خروج انگلستان از خلیج فارس در اواخر ۱۳۵۰ش، کشورهای عضو سازمان پیمان مرکزی، با صدور اعلامیه ای در ۱۲ خرداد ۱۳۵۱ در پایان نوزدهمین اجلاس شورای وزیران سنتو، نگرانی خود را درباره مسئله خرابکاری (مانند شورش ظفار) در منطقه خلیج فارس ابراز کردند. این در حالی بود که اشاره به فعالیتهای خرابکاری، در اعلامیه به اصرار ایران صورت پذیرفت. در این هنگام امریکا، متأثر از فضای تنش زدایی، با تأکید بر دکترین سیاسی «دو ستون» نیکسون در منطقه خلیج فارس، مبتنی بر عدم مداخله مستقیم امریکا و واگذاری نقش ژاندارمی به شاه، به حمایت لفظی از ایران اکتفا کرد و نشان داد که بیشتر نگران تنش زدایی با شوروی است. همچنین، پس از مداخله ترکیه در قبرس (۱۹۷۴)، امریکا با تحریم تسلیحاتی ترکیه (۱۹۷۵-۱۹۷۸) که در پیمانهای ناتو و سنتو عضویت داشت، موضع این کشور را در قبال یونان تضعیف کرد. این رخدادها پیمان سنتو را عملاً به صورت باشگاهی درآورد که هر سال نمایندگان کشورهای عضو در آن گردهم می آمدند و بی آنکه اقدامی انجام دهند، متفرق می شدند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران (بهمن ۱۳۵۷)، موجب تغییرات بنیادی در اصول و مواضع سیاست خارجی این عضو سنتو شد. پیگیری سیاست عدم تعهد در روابط بین الملل و اصل «نه شرقی، نه غربی» ایجاب می کرد که ایران از این اتحاد خارج شود.

بر این اساس ، دولت ایران ، نخست طی اعلامیه ۲۰ اسفند ۱۳۵۷ وزارت امور خارجه ، عدم تعهد خود را به مفاد این پیمان اعلام کرد و سپس در ۶ فروردین ۱۳۵۸ رسماً کناره گیری خود را از پیمان به دولتهای ترکیه ، پاکستان و انگلستان اعلام داشت . چندی بعد دولت پاکستان نیز، همسو با موضع گیری ایران ، خروج خود را از پیمان رسماً اعلام کرد. با خروج ایران و پاکستان ، سازمان پیمان مرکزی عملاً موجودیت خود را از دست داد و منحل شد

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۱۰۹۴/سنتو-پیمان-سازمان-ساختار>